

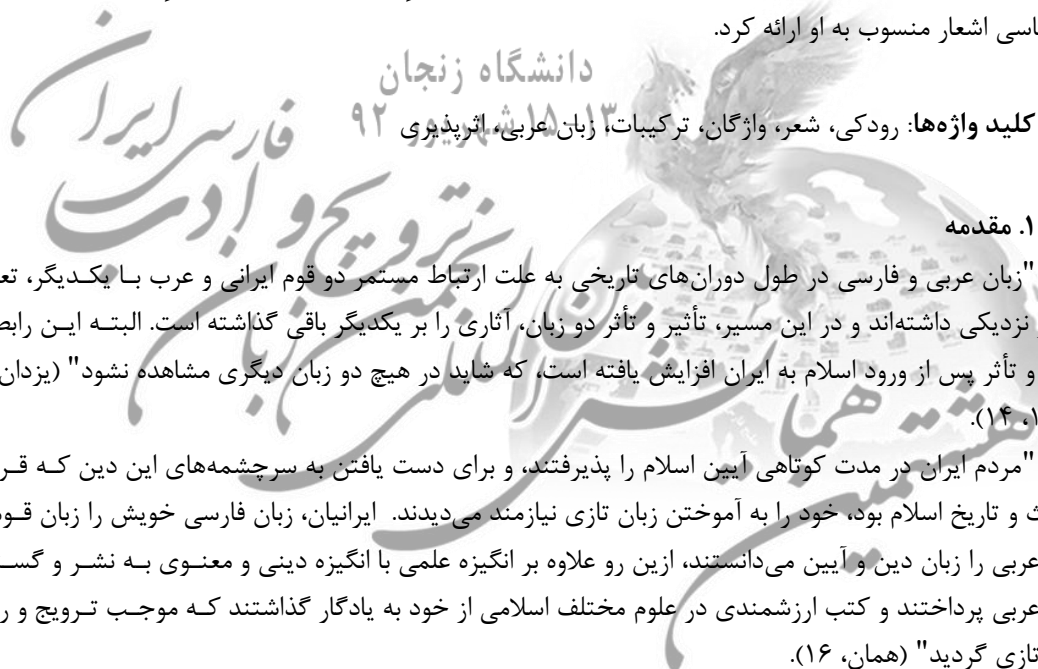
نمود زبان عربی در اشعار رودکی

فهیمة مارانی^۱

سیدمحمد رضا ابن الرسول^۲

چکیده

در مقاله حاضر، نگارندگان پس از یک جست و جوی میدانی در سروده‌های بازمانده از رودکی، کمیت و کیفیت کاربرد شاعر از واژگان و ترکیبات عربی را مشخص کرده اند. نیز در مقام پاسخی برای این سؤال برآمده‌اند که آیا می‌توان از بسامد کاربرد واژگان و ترکیبات عربی و چگونگی به کارگیری آنها در سروده‌های مسلّم رودکی معیاری برای بازشناسی اشعار منسوب به او ارائه کرد.



۱. مقدمه

"زبان عربی و فارسی در طول دوران‌های تاریخی به علت ارتباط مستمر دو قوم ایرانی و عرب با یکدیگر، تعامل بسیار نزدیکی داشته‌اند و در این مسیر، تأثیر و تأثر دو زبان، آثاری را بر یکدیگر باقی گذاشته است. البته این رابطه و تأثیر و تأثر پس از ورود اسلام به ایران افزایش یافته است، که شاید در هیچ دو زبان دیگری مشاهده نشود" (یزدان‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۴).

"مردم ایران در مدت کوتاهی آیین اسلام را پذیرفتند، و برای دست یافتن به سرچشمه‌های این دین که قرآن و حدیث و تاریخ اسلام بود، خود را به آموختن زبان تازی نیازمند می‌دیدند. ایرانیان، زبان فارسی خویش را زبان قومی و زبان عربی را زبان دین و آیین می‌دانستند، ازین رو علاوه بر انگیزه علمی با انگیزه دینی و معنوی به نشر و گسترش زبان عربی پرداختند و کتب ارزشمندی در علوم مختلف اسلامی از خود به یادگار گذاشتند که موجب ترویج و رونق زبان تازی گردید" (همان، ۱۶).

از پدیده‌های رواج تازی در میان ایرانیان در این عهد (پس از ورود اسلام به ایران)، کاربرد واژگان تازی در زبان فارسی است که این امر به دو صورت رواج یافته بود: نخست کاربرد واژگان در زمینه نظم و نثر و تألیف کتاب به تازی، دیگری کاربرد عبارت‌ها و مضمون‌های زبان تازی در سخن فارسی. واژگان عربی به تدریج وارد زبان فارسی شدند، به خصوص اینکه زبان کهن، دیگر پاسخگوی نیازهای جدید دوره اسلامی نبود و توانایی بیان افکار برگرفته از دین الهی را نداشت.

"اولین واژگانی که پس از فتح، وارد زبان فارسی شد کلماتی بودند که در ارتباط با اسلام و زندگی جدید اسلامی بود مثل زکات، حج، جهاد، آیت، عقاب، ثواب... و نیز واژگانی که مربوط به ساماندهی سیاسی و اداری حکومت جدید اسلامی بود مانند حرب، هیجا، غزو، کاتب، ملک" (ندا، ۱۹۹۱م، ۷۲). گرچه در بسیاری از موارد، مترادف بعضی از

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان marani.f.87@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان ibnorrasool@yahoo.com

کلمات در زبان فارسی وجود داشت مانند رزم، پیکار، نبرد، به جای قتال، ولی ایرانیان ترجیح می‌دادند که از کلمات عربی استفاده کنند.

"نگاهی کوتاه و گذرا به دیوان شاعران ایرانی، ما را به این حقیقت آگاه می‌سازد که شعر عربی نیز به اندازه نثر در میان ادیبان ایرانی رایج بوده است و اکثر دانشمندانی که به نثر عربی آثاری از خود به یادگار گذاشته‌اند دارای اشعار عربی نیز بوده‌اند. در برخی از موارد اشعار آنان از لحاظ ظرافت، دقت، اسلوب ظاهر، مضمون یابی و استفاده از صنایع ادبی بر شعر عرب نیز فایق می‌آید" (فقیهی، ۱۳۸۱، ۱۵).

"تأثیر زبان عربی در شعر فارسی به صورت‌های زیر روی می‌دهد:

(الف) به کارگیری واژگان خاص شعر و نثر تازی در ادبیات فارسی؛

(ب) تضمین ابیات عربی در شعر فارسی؛

(ج) ترجمه ابیات عربی به شعر فارسی" (همان، ۱۶).

وام‌گیری واژگانی به عنوان بارزترین شکل تأثیرپذیری زبان فارسی از عربی، از سده‌های نخست هجری آغاز شد و در قرن چهارم و پنجم افزایش چشمگیری یافت. این تأثیرات در آثار شعرا و نویسندگان به وضوح دیده می‌شود. یکی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری، رودکی نخستین شاعر صاحب دیوان و پدر شعر کهن فارسی است. ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، مشهور به استاد شاعران، احتمالاً در اواسط سده سوم هجری در قریه رودک از قرای رودک سمرقند دیده به جهان گشود و به همین روستا هم منتسب گردید و در سال ۳۳۰ یا ۳۴۳ هجری (۹۴۱ یا ۹۵۴ م) درگذشت. رودکی نابینا بوده و چنان‌که برخی از مورخان ادب فارسی تصریح کرده‌اند، نابینایی او مادرزادی بوده است لیکن آن‌گونه که برخی از اشعارش اشعار دارد و نیز از دریافت دقیق او نسبت به رنگ‌ها برمی‌آید، وی نابینا به دنیا نیامده که ترجیحاً پس از گذشت چند سال از تولدش به این عارضه مبتلا شده است.

رودکی بسان همه آنان که در تجدید حیات ادبیات منظوم و منثور فارسی سهیم‌اند، در حد گسترده‌ای از فرهنگ عربی آگاه بود، چرا که اینان همگی ذولسانین بوده‌اند. وی به ویژه در اقبال به زبان عربی و آموختن آن، از خود نبوغ نشان داد و حتی حفظ قرآن کریم را در هشت سالگی به انجام رسانید و در همان سال‌ها به شاعری پرداخت. آشنایی او با زبان عربی، موجب شده کلمات، ترکیبات، تلمیحات، تشبیهات، استعاره‌ها و مضامین عربی به شعر او راه یابد.

از آن جا که رودکی نخستین شاعر صاحب دیوان فارسی است، بررسی تأثیرات زبان و ادبیات عربی در اشعار او که یکی از مصادر ادب فارسی است، نکات مهمی را در باره رابطه دو زبان در زمان شاعر روشن می‌کند. هم‌چنین میزان کاربرد واژگان عربی در نخستین دیوان شعر فارسی مشخص می‌شود و دستمایه‌ای برای پژوهش در خصوص نفوذ و گسترش زبان عربی در زبان فارسی تواند بود.

بدین منظور در این مقاله - که برآمده از پژوهشی گسترده‌تر است - نخست واژگان و ترکیبات عربی و قرآنی موجود در دیوان رودکی بر اساس چاپ جعفر شعار استخراج شده و بسامد آنها مورد بررسی قرار گرفته، سپس به بیان تفاوت‌های لفظی و معنایی آنها در مقایسه با اصل عربی این واژگان پرداخته شده است.

در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی را می‌توان یافت که به صورت کلی به واژگان شعر رودکی یا تأثیرپذیری او از قرآن کریم پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به کتاب **لغات و ترکیبات رودکی** نوشته عسکر حقوقی اشاره نمود. در این اثر، مؤلف با استفاده از مآخذی نظیر لغت فرس به واژه‌ها و ترکیبات موجود در اشعار رودکی پرداخته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «تجلی معانی و مفاهیم قرآن و احادیث نبوی در دیوان رودکی سمرقندی» نوشته شکرالله پورالخاص نوکنده‌ای، به آن دسته از آیات و احادیثی که این شاعر توانا در اشعار خویش از آنها بهره‌جسته، پرداخته است.

این مقاله کوششی برای تبیین نتایجی جزئی‌تر در زمینه راه‌یابی واژگان عربی در شعر رودکی است. نیز نتایج این پژوهش می‌تواند در انتساب برخی ابیات سرگردان به رودکی به کار آید.

۲. شیوه شمارش واژگان

به منظور فراهم آوردن فهرست بسامدی کلمات، روش زیر برای یکسانی در جداسازی واژه‌ها در پیش گرفته شده است. این روش نتیجه بررسی شیوه‌های موجود در آثار مشابه و مشورت با صاحب‌نظران است:

- ضمیرهای شخصی گسسته و پیوسته به صورت ۱ واژه مستقل شمارش شده است.
- ترکیبات اضافی، وصفی و تشبیهی مقلوب ۲ واژه شمارش شده است، مانند: سروین، خو بروی، نارپستان.
- حروف اضافه و حروف ربط ۱ واژه مستقل شمارش شده است.
- فعل‌های پیشوند دار ۱ واژه شمارش شده است، مانند: بر فرزند.
- هر کدام از اجزاء فعل‌های دو جزئی ۱ واژه شمارش شده است، مانند: نگه کن.
- صفات فاعلی مرکب مرخم ۲ واژه شمارش شده است، مانند: باده انداز.
- پیشوندهای «بی» و «نا» با کلمه پس از آن ۱ واژه شمارش شده است، مانند: بی‌خرد، ناراه.
- پسوندهای «تر» و «ترین» با کلمه قبل از آن ۱ واژه شمارش شده است، مانند: مهتر.
- هرگاه «هر» و «هیچ» جزء آغازین یک صورت زبانی بوده، آن صورت زبانی ۲ واژه شمارش شده است، مانند: هرچیز، هرچند، هرکه، هرگه، هرگونه، هیچ کس.
- «آنکه»، «آنچه»، «آنگاه»، «گرچه»، «همچو»، «همچنین»، «اینچنین»، «اینچنینان»، و «چونان» هر کدام ۱ واژه شمارش شده است.

- «کز»، «وز»، «زوز»، «زوی»، «زان»، «وین»، «نز»، «ترو»، «کو»، «زو» ۲ واژه شمارش شده است.

- اسامی خاص اشخاص، امکته، کتب، حیوانات و اجزاء وابسته به آنها شمارش نشده است، مانند: رستم، حاتم طایی، میر ابوالفضل، بخارا، ابستا، دمنه.

- واژگان فارسی معرب که بدون تغییر شکل ظاهری و تنها با افزودن الف و لام در زبان عربی به کار می‌رود، به عنوان واژه فارسی شمارش شده است، مانند: الدشت. اما واژگان معرب از فارسی و زبان‌های دیگر که شکل ظاهری آنها در زبان عربی تغییر کرده، به عنوان واژه عربی در نظر گرفته شده است، مانند: «دهقان» معرب از واژه فارسی «دهگان»، «یاقوت» معرب از «یاکند» فارسی و یا معرب از «هیاکین تس» یونانی.

- در این بررسی واژگانی که به کار رفته بود که در مورد فارسی یا عربی بودن آنها اقوال مختلفی وجود داشت. این واژگان، بسته به اینکه غالباً در ذیل مدخل‌های فارسی یا عربی قرار داشت، به عنوان واژه فارسی و یا عربی در نظر گرفته شده است. معانی این نمونه‌ها نخست در فرهنگ فارسی معین و سپس در لغت‌نامه دهخدا و لسان‌العرب ابن‌منظور جستجو شده است. این واژگان عبارتند از: یاقوت (عربی)، عنبر (عربی)، بلبل (عربی)، رَسَن (عربی)، قیر (عربی)، دینار (عربی)، جوشن (عربی)، ای (عربی)، مهار (فارسی)، باغ (فارسی)، دین (فارسی)، دکان (فارسی)، خیری (فارسی)، دبیر (فارسی).

۳. واژگان عربی در شعر رودکی

با توجه به اینکه بررسی واژگان عربی دخیل در شعر رودکی ملزم به استخراج این وام واژه‌هاست، از این رو نخست کلمات موجود در شعر رودکی اعم از فارسی، عربی و ترکیبات فارسی عربی، استخراج شده، سپس بسامد هر دسته از آنها مشخص گردیده است.

تدقیق در وام واژه‌های استخراج شده نشان می‌دهد که رودکی بیشترین وام‌گیری را از اسم‌های عربی داشته و افعال و حروف عربی کمتر به شعر او راه یافته است.

۳-۱. بسامد و درصد واژگان عربی

تعداد کل واژگان و ترکیبات به کار رفته در سروده‌های بازمانده از رودکی ۱۱۲۲۱ واژه است که از این تعداد ۱۰۱۶۷ واژه فارسی و ۹۰۱ واژه عربی است.

جدول زیر درصد این کلمات را با توجه به بسامد آنها نشان می‌دهد:

نسبت (به درصد)	تعداد	نوع کلمات
۹۰/۶۰	۱۰۱۶۷	کلمات فارسی
۸/۰۳	۹۰۱	کلمات عربی
۱/۳۷	۱۵۳	ترکیبات فارسی عربی
۱۰۰	۱۱۲۲۱	کل

۳-۲. تکرار واژگان عربی

از سروده‌های منسوب به رودکی ۸۲۳ بیت مسلم او مورد بررسی قرار گرفته است که شاعر در ۳۱۳ بیت از واژگان فارسی و در ۵۱۰ بیت از واژگان عربی و ترکیبات فارسی عربی، استفاده نموده است.

همانگونه که گذشت در این ابیات ۹۰۱ واژه عربی و ۱۵۳ ترکیب فارسی عربی به کار رفته است که البته برخی از این واژگان یک یا چند بار تکرار شده‌اند. همچنین از بین واژگان عربی ۴۵۵ واژه، تنها یک بار در شعر رودکی کاربرد داشته‌اند.

جدول زیر این کلمات مکرر را به همراه دفعات تکرار آنها نشان می‌دهد:

۱۴	۲	برق	۴
۱۵	۳	بلبل	۳
۱۶	۴	بخیل	۲
پیاپی	تفکیکی	ت	
۱۷	۱	تمام	۶
۱۸	۲	تاج	۲
۱۹	۳	تقصیر	۲
پیاپی	تفکیکی	ج	
۲۰	۱	جمله	۶
۲۱	۲	جود	۵
۲۲	۳	جعد	۳
۲۳	۴	جور	۳
۲۴	۵	جهد	۳
۲۵	۶	جاه	۲
۲۶	۷	جرم	۲
۲۷	۸	جماش	۲

شماره	کلمه	بسامد
الف		
پیاپی	تفکیکی	
۱	۱	ای
۲	۲	امیر/میر
۳	۳	آخر
۴	۴	ایا
۵	۵	ادب
۶	۶	ابله
۷	۷	اثر
۸	۸	اصل
۹	۹	اعور
۱۰	۱۰	اول
۱۱	۱۱	اهل
۱۲	۱۲	ایمان
ب		
پیاپی	تفکیکی	
۱۳	۱	بلا

۲	ذرع	۱	۵۹
۲	ذَلّ	۲	۶۰
ر		تفکیکی	پیایی
۳	راحت	۱	۶۱
۳	رأی	۲	۶۲
۳	رعد	۳	۶۳
۲	رَسَن	۴	۶۴
۲	رفیق	۵	۶۵
ز		تفکیکی	پیایی
۹	زلف	۱	۶۶
۲	زرع	۲	۶۷
۲	زمان	۳	۶۸
س		تفکیکی	پیایی
۶	سیرت	۱	۶۹
۴	سِفْله	۲	۷۰
۲	ساقی	۳	۷۱
۲	سَخا	۴	۷۲
۲	سَخاوت	۵	۷۳
ش		تفکیکی	پیایی
۱۰	شِعْر	۱	۷۴
۳	شاعر	۲	۷۵
۳	شهره	۳	۷۶
۲	شعله	۴	۷۷
ص		تفکیکی	پیایی
۴	صف	۱	۷۸
۲	صافی/اصاف	۲	۷۹
۲	صعوه	۳	۸۰
۲	صلح	۴	۸۱
۲	صيد	۵	۸۲
ض		تفکیکی	پیایی
۲	ضعیف	۱	۸۳
ط		تفکیکی	پیایی
۴	طرب	۱	۸۴
۳	طبع	۲	۸۵
۳	طری	۳	۸۶

۲	جیم	۹	۲۸
ح		تفکیکی	پیایی
۷	حال	۱	۲۹
۶	حکمت	۲	۳۰
۴	حدیث	۳	۳۱
۴	حیران	۴	۳۲
۳	حق	۵	۳۳
۲	حاجت	۶	۳۴
۲	حاسد	۷	۳۵
۲	حبیب	۸	۳۶
۲	حکم	۹	۳۷
۲	خَلّه	۱۰	۳۸
۲	خملان	۱۱	۳۹
۲	حوادث	۱۲	۴۰
خ		تفکیکی	پیایی
۱۲	خَلق	۱	۴۱
۴	خال	۲	۴۲
۳	خدمت	۳	۴۳
۳	خیل	۴	۴۴
۲	خاص	۵	۴۵
۲	خالی	۶	۴۶
۲	خبر	۷	۴۷
۲	خصم	۸	۴۸
۲	خضاب	۹	۴۹
۲	خلعت	۱۰	۵۰
۲	خُلْقان	۱۱	۵۱
۲	خِیاط	۱۲	۵۲
د		تفکیکی	پیایی
۸	دولت	۱	۵۳
۶	دَرّ	۲	۵۴
۴	دینار	۳	۵۵
۲	دایم	۴	۵۶
۲	دون	۵	۵۷
۲	دهقان	۶	۵۸
ذ		تفکیکی	پیایی

۲	فتنه	۴	۱۱۹
۲	فقیر	۵	۱۲۰
ق		تفکیکی	پیایی
۳	قدر	۱	۱۲۱
۳	قضا	۲	۱۲۲
۲	قالب	۳	۱۲۳
۲	قامت	۴	۱۲۴
۲	قد	۵	۱۲۵
۲	قدح	۶	۱۲۶
۲	قربان	۷	۱۲۷
۲	قصه	۸	۱۲۸
۲	قطار	۹	۱۲۹
۲	قطره	۱۰	۱۳۰
۲	قهر	۱۱	۱۳۱
۲	قیامت	۱۲	۱۳۲
۲	قیر	۱۳	۱۳۳
ک		تفکیکی	پیایی
۶	کفّ	۱	۱۳۴
۳	کفن	۲	۱۳۵
۲	کافور	۳	۱۳۶
۲	کریم	۴	۱۳۷
۲	کوس	۵	۱۳۸
ل		تفکیکی	پیایی
۶	لیکن / لیک	۱	۱۳۹
۵	لعل	۲	۱۴۰
۳	لا	۳	۱۴۱
۳	لطیف	۴	۱۴۲
۲	لفظ	۵	۱۴۳
م		تفکیکی	پیایی
۱۵	مدح	۱	۱۴۴
۷	مَلِک	۲	۱۴۵
۴	مجلس	۳	۱۴۶
۴	مِدحت	۴	۱۴۷
۴	ملوک	۵	۱۴۸
۳	مرجان	۶	۱۴۹

۲	طاقت	۴	۸۷
۲	طَرَفه	۵	۸۸
۲	طلعت	۶	۸۹
ع		تفکیکی	پیایی
۸	عشق	۱	۹۰
۵	عذر	۲	۹۱
۴	عاشق	۳	۹۲
۴	عجب	۴	۹۳
۴	عزیز	۵	۹۴
۴	عطا	۶	۹۵
۴	عَمَر	۷	۹۶
۴	عنبر	۸	۹۷
۳	عدل	۹	۹۸
۳	عدو	۱۰	۹۹
۳	عذاب	۱۱	۱۰۰
۳	عقیق	۱۲	۱۰۱
۳	علم	۱۳	۱۰۲
۳	عود	۱۴	۱۰۳
۳	عیش	۱۵	۱۰۴
۲	عاجز	۱۶	۱۰۵
۲	عافیت	۱۷	۱۰۶
۲	عالم	۱۸	۱۰۷
۲	عَدن	۱۹	۱۰۸
۲	عروس	۲۰	۱۰۹
۲	عصا	۲۱	۱۱۰
۲	عطارد	۲۲	۱۱۱
۲	عفو	۲۳	۱۱۲
غ		تفکیکی	پیایی
۱۴	غم	۱	۱۱۳
۲	غزل	۲	۱۱۴
۲	غول	۳	۱۱۵
ف		تفکیکی	پیایی
۵	فَلک	۱	۱۱۶
۴	فَضل	۲	۱۱۷
۲	فتی	۳	۱۱۸

۲	نقصان	۸	۱۶۲
۲	نقطه	۹	۱۶۳
۲	نور	۱۰	۱۶۴
و		تفکیکی	پیایی
۴	واجب	۱	۱۶۵
۳	وقت	۲	۱۶۶
۲	وفا	۳	۱۶۷
ه		تفکیکی	پیایی
۳	هوا (هواء)	۱	۱۶۸
۲	هجر	۲	۱۶۹
ی		تفکیکی	پیایی
۴	یاقوت	۱	۱۷۰
جمع			۶۱۶

۲	مُدَام	۷	۱۵۰
۲	مدایح	۸	۱۵۱
۲	معاینه	۹	۱۵۲
۲	مُلک	۱۰	۱۵۳
۲	مَلک	۱۱	۱۵۴
ن		تفکیکی	پیایی
۱۲	نعمت	۱	۱۵۵
۷	نبیذ/نبید	۲	۱۵۶
۴	نحس	۳	۱۵۷
۳	نشاط	۴	۱۵۸
۲	نزهت	۵	۱۵۹
۲	نسیم	۶	۱۶۰
۲	نقش	۷	۱۶۱

گفتنی است «مدام» که دو بار در دیوان رودکی به کار رفته، در یک جا به معنی «مستمر» و در جای دیگر به معنی «می» است که چون هر دو از یک ریشه‌اند، در جدول فوق یک جا حساب شده‌اند.

۳-۳. میانگین واژگان عربی در هر بیت

در ابیاتی که شامل واژگان عربی است، به صورت میانگین در هر بیت ۲ واژه عربی به کار رفته است. همچنین این پنج بیت بیشترین شمار واژگان عربی (۶ واژه) را دارند:

همچو ابستاست فضل و سیرت او زند
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۰)

وز مجد بنا داری بربرده مشید
(شعار، ۱۳۹۰، ۷۹)

واجب باشد هرآینه شکر نغم
(شعار، ۱۳۹۰، ۵۹)

ای فلک، از حال دشمنانش همی خند
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۰)

نرخ گرفته حدیث و، صامت ارزان
(شعار، ۱۳۹۰، ۳۸)

قابل ذکر است که بیت زیر با ۹ واژه عربی در دیوان رودکی چاپ جعفر شعار در ضمن ابیات مسلّم رودکی آورده شده است.

ای میر علی حکمت، عالم به تو درغال
(شعار، ۱۳۹۰، ۸۶)

همچو معماست فخر و همت او شرح

از جود قبا داری پوشیده مشهر

واجب نبود به کس بر افضال و کرم

ای مَلک، از حال دوستانش همی ناز

لا جرم از جود و از سخاوت اوی است

ای شاه نبی سیرت، ایمان تو محکم

اما با معیاری که محاسبات این مقاله دست می‌دهد، باید در انتساب این بیت به رودکی تردید کرد، چنان‌که قادر رستم در دیوانی که اخیراً از سروده‌های رودکی فراهم آورده، آن را سروده قطران تبریزی دانسته است (رستم، ۱۳۹۱، ۹۴).

در سروده‌های رودکی ابیات بسیاری وجود دارد که حداقل ۱ واژه عربی در آنها به کار رفته است. برای نمونه بیت زیر:

جان تُرنجیده و، شکسته دلم گویی از غم همی فرو گسلم

(شعار، ۱۳۹۰، ۸۹)

از ۸۲۳ بیت مسلّم رودکی که مورد بررسی قرار گرفته است، شاعر در ۳۱۳ بیت تنها از واژگان فارسی استفاده نموده است که این ابیات ۳۸/۰۴ درصد از کل ابیات را به خود اختصاص داده است. این بیت نمونه‌ای است از ابیاتی که در آن هیچ واژه عربی به کار نرفته است.

بیا، اینک نگه کن رودکی را اگر بی‌جان روان خواهی تنی را

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۲)

۴. ترکیب‌های فارسی و عربی در شعر رودکی

"یکی از خصوصیات بارز زبان فارسی که آن را از دیگر زبان‌ها متمایز می‌کند، قابلیت ترکیب‌سازی و کثرت انواع آن است. به این معنا که رایج‌ترین راه واژه‌سازی، ترکیب کلمات با یکدیگر است. در زبان فارسی ترکیب واژگان، به طور بسیار گسترده استفاده می‌شود، به نحوی که با ترکیب یک یا چند جزء معنادار زبان، کلمات مرکب ساخته می‌شود. در حالی که در زبان عربی چنین نیست. چرا که زبان عربی، زبانی است صرفی و قالب‌های صرفی مشخصی دارد که حروف اصلی واژگان در آنها ریخته می‌شود و اشتقاق از راه تعریب انجام می‌گیرد که خود نوعی ریخته‌گری زبانی است" (یزدان‌زاده، ۱۳۹۰، ۸۷).

زبان فارسی تحت تأثیر عوامل مذهبی، سیاسی و اجتماعی، بسیار از زبان عربی تأثیر پذیرفته است. وام‌گیری واژگانی و دستوری، به عنوان بارزترین شکل تأثیرپذیری زبان فارسی از عربی از سده‌های نخست هجری آغاز شد و در قرن چهارم و پنجم افزایش چشمگیری یافت. در پی این وام‌گیری، کلمات بی‌شماری از زبان عربی وارد زبان فارسی شده، در حالی که در بسیاری از موارد معادل آن نیز در زبان فارسی وجود داشته است. در اینجا لازم به ذکر است که زبان فارسی تنها به وام‌گیری واژگانی بسنده نکرده، بلکه از این نیز فراتر رفته و با ترکیب کردن کلمات عربی و فارسی واژگان جدید ساخته و غنی‌تر شده است. با توجه به اینکه چنین ترکیباتی در زبان فارسی فراوانند، بررسی آنها در شعر رودکی می‌تواند نکات جزیی‌تری را در میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این دو زبان بر یکدیگر بیان کند.

کلمات مرکب متشکل از عربی و فارسی را با توجه به نمونه‌های موجود در سروده‌های بازمانده از رودکی می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

افعال مرکب، مانند: مبادرت کن، جهد کن، می‌طلبم؛

اسم‌های مرکب، مانند: سحرگاهان، توبه شکن، غمخواره؛

صفات مرکب، مانند: لطیف‌دست، جماش چشم، زرین‌ورق؛

قیدهای مرکب: جولان‌کنان.

چنان که از مثال‌ها روشن شد، در این ترکیب‌ها گاه جزء نخست و گاه جزء پایانی عربی است. گفتنی است در این جستار، همه واژگان عربی که با پسوندها و پیشوندهای فارسی آمیخته‌اند هم ترکیب فارسی - عربی / عربی - فارسی به شمار آمده‌اند.

۴-۱. بسامد، درصد و مکررات کلمات مرکب

شمار ترکیبات عربی - فارسی / فارسی - عربی به کار رفته در اشعار رودکی ۱۵۳ ترکیب است که ۱/۳۷ درصد از کل واژگان را به خود اختصاص داده است. برخی از این ترکیبات بیش از یک بار تکرار شده که عبارت است از: امیری (۲) - اولیاش (۳) - بی‌وفا (۲) - زمانه (۲۲) - زمانی (۷) - زلفکان (۳) - زلفک (۲) - زلفین (۲) - سنانش (۲) - شاعران (۳) - غمان (۲) - مِلکان (۲) - میران (۲).

با توجه به بررسی‌های انجام شده، شمار ترکیبات به مراتب کمتر از شمار واژگان عربی مفرد است.

۴-۲. میانگین ترکیبات فارسی - عربی / عربی - فارسی در هر بیت

در ابیاتی که شامل کلمات مرکب است نیز به صورت میانگین ۱ ترکیب فارسی عربی به کار رفته است. همچنین این بیت بیشترین شمار ترکیب (۳ ترکیب) را دارد:

مَن و آن جَعدموی غالیه‌بوی مَن و آن ماهروی حورنژاد
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۷)

۵. واژگان قرآنی در شعر رودکی

با اسلامی شدن ایران و مسلمان شدن ایرانیان، تحولی در محتوای فرهنگ دو زبان عربی و فارسی به وجود آمد، ادبا و شعرای بسیاری فرهنگ زبان فارسی را به زبان عربی انتقال داده و زبان فارسی را با فرهنگ اسلامی غنی ساخته‌اند. "شاعران و نویسندگان بنابه آموزه‌های دینی و پرورش یافتن در دامن مکتب مقدس اسلام برای بیان اندیشه‌ها و مکنونات قلبی خویش از قرآن به عنوان یک منبع الهام بخش، بسیار تأثیر پذیرفته اند که این تأثیرات یا به صورت ارادی و با طرح از پیش تهیه شده و یا غیر ارادی و فی البداهه در آثارشان انعکاس یافته است" (پورالخاص نوکنده‌ای، ۱۳۸۶، ۱۷).

بنا به نوشته عوفی "رودکی بسیار تیزهوش و با حافظه بوده، چنانچه در هشت سالگی قرآن را کاملاً حفظ کرده است" (عوفی، ۱۳۳۵، ۶).

۵-۱. بسامد و درصد واژگان قرآنی

رودکی به شکل‌های مختلف از قرآن کریم و مضامین بلند آن بهره جسته است. این پژوهش تنها به دو صورت از تأثیرپذیری او پرداخته است. نخست اینکه شاعر، واژه قرآنی را عیناً در سروده‌های خود به کار برده، دو دیگر آنکه از الفاظ عربی که ریشه قرآنی دارند، استفاده کرده است. از ۹۰۱ واژه عربی به کار رفته در دیوان رودکی ۴۳۸ واژه عیناً قرآنی است و نیز ۲۶۰ واژه ریشه قرآنی دارد.

جدول زیر درصد این کلمات را با توجه به بسامد آنها نشان می دهد:

نوع واژگان	تعداد	درصد نسبت به واژگان عربی	درصد نسبت به کل واژگان
واژگان عیناً قرآنی	۴۳۸	۴۸/۶۱	۳/۹۰
واژگان با ریشه قرآنی	۲۶۰	۲۸/۸۵	۲/۳۱
کل	۶۹۸	۷۷/۴۶	۶/۲۱

۵-۲. میانگین واژگان قرآنی در هر بیت

در ابیاتی که شامل واژگان قرآنی است، به صورت میانگین ۱ واژه قرآنی وجود دارد. بیشترین تعداد واژگان قرآنی که رودکی عیناً به کار برده، ۴ واژه در این بیت است:

باغ مَلِک آمد طری از رشحه کلک وزیر
زان که افشک می کند مر باغ و بستان را طری
(شعار، ۱۳۹۰، ۹۹)

همچنین در بیت زیر ۶ واژه عربی که ریشه قرآنی نیز دارند، به کار رفته است:

واجب نبود به کس بر افضال و کرم
واجب باشد هرآینه شکر نعم
(شعار، ۱۳۹۰، ۵۹)

۶. ترکیبات عربی و قرآنی در شعر رودکی

ترکیبات عربی از مواردی است که به زبان فارسی راه یافته است. بدین معنی که دو یا چند کلمه با هم به عنوان یک کلمه مرکب در فارسی به کار می‌رود. در برخی از ابیات بازمانده از رودکی نیز چند ترکیب عربی به کار رفته است که عبارتند از:

با دو سه بوسه رها کن این دل از درد خُناک
تا به مَنّت احسان باشد، أحسن الله جزاک
(شعار، ۱۳۹۰، ۸۵)

شب عاشقَت لیلَةُ القدر است
چون تو بیرون کنی رخ از جلیب
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۴)

الهی، از خودم بسستان و گم کن
به نور پاک بر من اُشْتَلَم کن
(شعار، ۱۳۹۰، ۹۱)

بر رُخش زلف عاشق است چو من
لاجرم همچو مَنُش نیست قرار
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۶)

لاجرم از جود و از سخاوت اوی است
نرخ گرفته حدیث و، صامت ارزان
(شعار، ۱۳۹۰، ۳۸)

خشمش آمد و همانگه گفت: ویک
خواست کو را برکنند از دیده کیک
(شعار، ۱۳۹۰، ۸۵)

ماده گفتا هیچ شرمت نیست، ویک
چون سبکساری، نه بد دانی نه نیک
(شعار، ۱۳۹۰، ۸۵)

چرا عمر کرکس دو صد سال؟ ویحک
نمأند فزون تر ز سالی پرستو
(شعار، ۱۳۹۰، ۹۳)

مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود
نبود دندان، لا بیل چراغ تابان بود
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۲)

۷. دگرگونی وام واژه های عربی در شعر رودکی

۷-۱. **تغییرات لفظی:** تغییرات لفظی انواع مختلفی را شامل می‌شود که ما در اینجا با توجه به کلمات عربی

دخیل در شعر رودکی به بیان نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم. گفتنی است ارائه این نمونه‌ها به معنی آن است که یا این

تصرفات در میان گویشوران فارسی زمان رودکی رایج بوده و رودکی تنها آنها را گزارده است و یا رودکی خود برای نخستین بار پدیدآورنده این تغییرات بوده است:

- تغییر حرکات واژگان؛ چنان که «جَوْلان» را باید به صورت «جَوْلان» تلفظ کرد:

اسـب، مـا را ز آرزوی روی او زیرِ ران، جـولان کنان آید همی
(شعار، ۱۳۹۰، ۴۳)

در اینجا یادآوری می‌کنیم که رودکی گاه کلمه را با همان ضبط عربی - و نه صورت رایج کنونی اش - به کار می‌برد، چنان که در خصوص کلمه «حِنّا» در بیت زیر شاهدیم:

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجه عروس به حِنّا شده خضیب
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۳)

- اماله کلمات عربی؛ چنان که «جلباب»، «حجاب»، «لکن=لاکن» و «موسی=موسا» را باید به ترتیب به شکل «جلیب»، «حجیب»، «لیکن» و «موسی» نوشت و خواند:

شب عاشقّت، لیلَةُ القدر است چون تو بیرون کنی رخ از جلیب
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۴)

به حجاب اندرون شود خورشید گر تو برداری از دو لاله حجیب
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۴)

گر من این دوستی تو ببرم تالب گور بزنم نعره و، لیکن ز تو بینم هنرا
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۲)

ور به بلور اندرون بینی، گویی گوهر سرخ است به کف موسی عمران
(شعار، ۱۳۹۰، ۳۴)

- ابدال حرف تـای مربوطه («ة») به «ه»

این تکواژ در هنگام ورود به زبان فارسی مطابق رسم الخط و قواعد آن تغییر کرده و در برخی از موارد به حرف «ه» (های غیر ملفوظ) تبدیل گشته است، مانند: توبه، جمله، خزانه، شعله، خیمه، ذره:

مرا امروز توبه سود دارد چنان چون دردمندان را شُوسه
(شعار، ۱۳۹۰، ۶۲)

- ابدال حرف تـای مربوطه («ة») به «ت»

از دیگر موارد ابدال، تغییر حرف «ة» به «ت» مبسوط یا کشیده است که این تغییر در تعداد بی‌شماری از کلمات عربی دخیل رخ داده است، مانند: خدمه، زیاره، صوره، سیره، نعمة:

خود بدویدی به سان پیک مرتب خدمت او را گرفته چامه به دندان
(شعار، ۱۳۹۰، ۴۰)

از نمونه‌های بارز این دو تغییر، کاربرد باب مفاعله در فارسی است. حرف «ة» در آخر این مصادر در بسیاری از موارد به «ه» و یا به «ت» مبسوط تبدیل می‌شود، مانند: مبادره، معاينه:

مبادرت کن و خامش مباش چندینا اگرت بدره رساند همی به بدر منیر
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۷)

در این میان یک نمونه قابل توجه است و آن کاربرد کلمه عربی «شاة» به معنی گوسفند به همین صورت نوشتاری و البته با تلفظ «ت» است:

گرگ را کی رسد ملامت شاه باز را کی رسد نهیب شخیش

(شعار، ۱۳۹۰، ۳۱)

- حذف همزه از آخر کلمات ممدود

حذف همزه از آخر کلمات ممدود - که به آن قصر المد هم می‌گویند - از دیگر تصرفاتی است که فارسی‌زبانان بر روی وام واژه‌ها اعمال نموده‌اند، در واژگانی همچون: عطاء، وفاء، ، بلاء، دواء، حنّاء، بناء، دعاء، سخاء، غوغاء، قضاء:

نه چون پور میر خراسان، که او عطا را نشسته بود کردگار

(شعار، ۱۳۹۰، ۲۷)

- تخفیف آخرین حرف مشدّد کلمات عربی، مانند: غمّ، صفّ، قدّ، کفّ، نبیّ، ولیّ، یمّ، خاصّ، قویّ:

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری بسا کسا که به روز تو آرزومند است

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۶)

البته گاه ضرورت وزن اقتضا کرده به همان شکل مشدّد به کار رود:

ور به بلور اندرون بینسی، گویی گوهر سرخ است به کفّ موسی عمران

(شعار، ۱۳۹۰، ۳۴)

- حذف حرف «ی» از پایان کلمات ناقص عربی

می‌دانیم اسم فاعل ثلاثی مجرد از ریشه‌های معتل اللام (ناقص واوی و یایی) به حرف یاء ختم می‌شود و این حرف در حالت رفعی و جرّی - در اسم فاعل‌هایی که با الف و لام و مضاف الیه همراه نیستند - حذف می‌شود، مانند قاضی. گویشور فارسی در برخی نمونه‌ها ظاهراً این حذف را به کاربردهای دیگر هم تسری داده است و برای نمونه «صافی = صاف» را گاه به صورت «صاف» و گاه «صافی» به کار می‌برد:

چون بنشیند تمام و، صافی گردد گونه‌ی یاقوت سرخ گیرد و مرجان

(شعار، ۱۳۹۰، ۳۴)

صاف بُد آمیخته با دُرّ می بر سر خُم رفت و جدا شد ز دُرّ

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۸)

- حذف همزه قطع از آغاز کلمه

در یک مورد (واژه «امیر») همزه آغازین را - شاید به سبب کثرت استعمال - گویی همزه وصل تلقی کرده و نه تنها در گفتار که در نوشتار هم آن را برداشته‌اند:

اثر میر نخواهم که بمآند به جهان میر خواهم که بماند به جهان در اثرا

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۲)

- تبدیل حرف «ذ» به حرف «د»:

واژه «نبیذ» را معرّب «nipita» در زبان پهلوی می‌دانند (معین، ۱۳۸۷، ذیل «نبیذ»)، اما رودکی در همین واژه معرّب هم تصرف کرده، در جایی آن را بسان ذال‌های فارسی به دال مبدل و با کلمات فارسی مختوم به دال هم‌قافیه کرده است:

می، آزاده پدید آرد از بد اصل فراوان هنر است اندرین نیید

(شعار، ۱۳۹۰، ۲۵)

- خلاصه کردن کلمه؛ چنان‌که «مّوالیان» را به صورت «مّولیان»، و «لیکن» را به صورت مّرخم «لیک» آورده است:

باد جووی مولیان آید همی بسوی یار مهربان آید همی

(شعار، ۱۳۹۰، ۴۳)

هر دو یک گوهرند، لیک به طبع
این بیفسرد و آن دگر بگداخت
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۵)

- ترکیب سازی با کلمات عربی

اسم عربی + ضمیر پیوسته فارسی، مانند: غمت، هیبتش، نشاط، طبعم، عاشقت، عزیزم، دولتت:
از ناخن دست خسته کردم دل و جان
فریادرس غمت نه این بود و نه آن
(شعار، ۱۳۹۰، ۶۰)

اسم عربی + پسوند "گاه"، مانند: سحرگاه:

به حق نالم ز هجر دوست زارا
سحرگاهان چو بر گلبن هزارا
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۱)

اسم عربی + بن مضارع فارسی (صفت فاعلی مرکب مرخم)، مانند: توبه شکن، ملوک فریب، وقت شمار:
آمد آن نوبهار توبه شکن
پریشان گشت باغ و برزن و کوی
(شعار، ۱۳۹۰، ۱۰۱)

اسم عربی + پسوند "تر"، مانند: عجب تر، قوی تر:
این عجب تر که می نداند او
شعر از شعرا و خُصب را از خُن
(شعار، ۱۳۹۰، ۶۱)

پیشوند "بی" + کلمه عربی، مانند: بی وفا، بی خبر:
با خردومند، بی وفا بود این بخت
خویشتن خویش را بکوش تو یک لخت
(شعار، ۱۳۹۰، ۵۳)

۷-۲. **تغییرات معنایی:** از جمله تصرفات ایرانیان در وام‌واژه‌های عربی، تصرف معنایی است؛ بدین صورت که فارسی‌زبانان گاه کلمه عربی را در معنایی غیر از آنچه که در زبان مبدأ رایج است، به کار می‌برند. ذکر همه موارد این وام‌واژه‌ها در اشعار بازمانده از رودکی، از حد این مقال خارج است اما تا آنجا که سخن را مجال باشد، به بررسی مواردی از این تصرفات می‌پردازیم.

- الرَّؤْفَةُ: الطائفة من أول الليل، والجمع زُلفٌ وزُلفاتٌ. ابن سیده: وزُلفُ اللَّيْلِ: ساعاتٌ من أوله، وقيل: هي ساعاتُ اللَّيْلِ الآخذة من النهار وساعاتُ النهار الآخذة من اللَّيْلِ. (ابن منظور، ذیل زلف)
زُلف: موی سر، گیسو. (معین، زلف)

زُلف در اصل به ضم اول و فتح لام، لفظ عربی است. جمع زُلفه به معنی پاره شب است و فارسیان عربی‌دان به تصرفات خود به سکون لام خوانند و مجازاً به مناسبت سیاهی، اطلاق مشبّه، به مشبّه به کرده و موی مخصوص قریب گوش را زُلف گویند. (دهخدا، زلف)

با دقت در مطالب فوق می‌توان چنین گفت که واژه "زلف" از نظر معنایی و نیز لفظی در زبان فارسی تغییر یافته و در تداول فارسی زبانان به معنای "موی سر، گیسو" به کار می‌رود.

به زُلف کز و لیکن به قدّ و قامت راست
به تن درست و لیکن به چشمکان بیمار
(شعار، ۱۳۹۰، ۵۶)

- کاربرد واژگان جمع عربی در معنی مفرد، مانند «خُلُقَان» که جمع «خَلَقَ» به معنی کهنه و فرسوده است (شیء خَلَقٌ: بال، الذکر والأُنثی فیهِ سواء والجمع خُلُقَانٌ وأخلاقٌ - «ابن‌منظور، ذیل خلق») و برای موصوف مفرد آمده است: کهن کند به زمانی همان کجا نو بود و نو کند به زمانی همان که خُلُقَان بود

(شعار، ۱۳۹۰، ۲۲)

و نیز «حَرَس» که جمع «حارس» به معنی نگهبان است و صفت «مرد» قرار گرفته است:

مردِ حَرَسِ کُفک‌هاش پاک بگیرد تا بشود تیرگیش و گردد رخشان

(شعار، ۱۳۹۰، ۳۳)

رودکی خود در ادامه سروده همین «مرد نگهبان» را به کار می‌برد:

آخر کارام گیرد و، نچخند تیز درش کند استوار، مردِ نگهبان

(شعار، ۱۳۹۰، ۳۳)

- کاربرد مصدر به جای صفت در ساخت صفت تفضیلی، چنان‌که «عجب‌تر» را به جای «عجیب‌تر» آورده است:

این عجب‌تر که می‌ندانند او شِعر از شِعر و خُنب را از خُن

(شعار، ۱۳۹۰، ۶۱)

در پایان این بخش هم باید افزود رودکی گاه بر حفظ معنی اصلی واژه عربی اصرار دارد؛ چنان‌که عبارت «در اثر»

را به معنی اصلی آن (در پی / به دنبال) به کار می‌برد، گویا این‌که امروز به معنی «به علت» است:

اثر میر نخواهم که بماند به جهان میز خواهم که بماند به جهان در اثر

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۲)

۷-۳. تغییرات دستوری:

"کلمات عربی در فارسی گاه تغییر گروه دستوری می‌دهند. به عنوان مثال اسم کار صفت و قید، صفت کار اسم و قید، حرف کار قید، فعل کار قید را انجام می‌دهد" (فرشیدورد، ۱۳۶۷، ۱۸۵). در اینجا ما با توجه به سروده‌های بازمانده از رودکی به ذکر نمونه‌ای از این موارد می‌پردازیم.

- اسم در نقش قید

کلمه «القصة» در سیاق فارسی برای تخلیص و وصل به کار می‌رود و مترادف «باری، خلاصه» است.

القصة که از بیم عذاب هجران در آتش رشکم دگر از دوزخیان

(شعار، ۱۳۹۰، ۶۰)

۸. بررسی کاربرد امروزی واژگان عربی به کار رفته در شعر رودکی

برخی از وام‌واژه‌های مورد استفاده رودکی امروزه متروک شده، نه در زبان روزمره که در زبان ادبی فارسی هم به

کار نمی‌رود؛ واژگانی همچون «فوات = مرگ»، «کاسد = بی‌رونق»، «کئیب = اندوهگین»، «نقاط = نفت‌انداز»، «رطیب =

نمناک»، «مطیر = بارانی»، «مغفر = کلاهخود»، «نقط = نقطه‌ها»، «جماش = دلفریب» «بدره = خریطه‌ای از جامه یا گلیم

که طول آن از عرضش بیشتر باشد»، «باحور = بخاری که در هوای گرم از زمین برخیزد»، «رطل = واحدی است برای

وزن»، «شعر = موی»، «قطران = مایع روغنی شکل و چسبنده»، «رایض = رام کننده ستوران»، «مدخل = پست، لثیم»،

«مشهر = معروف شده»، «مُجیب = اجابت کننده»، «صوه = پرنده‌ای کوچک شبیه گنجشک»، «حُملان = ستور باردار که

به کسی بخشند»، و «خُلُقان» برای نمونه این دو بیت:

تا لباس عمر اعدایش نگردد بافته تار تار پود پود اندر فلات آن فوات

(شعار، ۱۳۹۰، ۷۰)

آن ابر بین که گرید چون مرد سوکوار وان رعد بین که نالد چون عاشق کئیب

(شعار، ۱۳۹۰، ۱۳)

این موضوع در خصوص ترکیبات عربی محض، مثل «لا بل= نه بلکه»، یا ترکیبات عربی فارسی، مانند «بی=ناچار، لابد» هم قابل طرح است:

مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
(شعار، ۱۳۹۰، ۲۲)

وَرْم ضعیفی و بی‌بُدییم نبودی و آن‌که نبود از امیر مشرق فرمان
(شعار، ۱۳۹۰، ۳۹)

۹. نتیجه

- واژگان عربی دخیل در شعر رودکی بیشتر از نوع اسم بوده که در برخی از موارد بدون تغییر و تصرف به کار رفته‌اند و در بعضی موارد دیگر دستخوش تغییرات لفظی و معنایی شده است.

- در زمان رودکی وام‌واژه‌ها و ترکیب‌های عربی یا عربی - فارسی کمتر از ده درصد واژگان و ترکیبات زبان شعر فارسی بوده است.

- انس رودکی با قرآن کریم باعث شده که آگاهانه یا ناخودآگاه نزدیک چهار درصد واژگان سروده‌هایش عیناً قرآنی باشد.

- شمار ترکیبات فارسی - عربی در سروده‌های رودکی به مراتب کمتر از واژگان عربی مفرد است.

- تغییرات لفظی در واژگان عربی اشعار رودکی به مراتب بیش از تغییرات معنایی است.

- در اشعار مسلّم رودکی، ۳۸/۰۴ درصد، مربوط به ابیاتی است که همه واژگان آن‌ها فارسی است و ۶۱/۹۶ درصد

ابیاتی هستند که در آن‌ها واژگان فارسی، عربی و ترکیبات فارسی - عربی به کار رفته است.

- متوسط بسامد وام‌واژه‌های عربی در بیت‌های رودکی، ۲ واژه در هر بیت است. با این محاسبه می‌توان در انتساب

بیت‌هایی که بیش از ۴ واژه عربی در آنها به کار رفته، تردید کرد.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰ هـ.
- پورالخاص نوکنده‌ای، شکرالله، تجلی معانی و مفاهیم قرآن و احادیث نبوی در دیوان رودکی سمرقندی، مجله پژوهش‌های اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۷.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵.
- رستم، قادر، دیوان رودکی سمرقندی، ترجمه شاه منصور شاه میرزا، تهران، مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۱.
- شعار، جعفر، دیوان شعر رودکی، چ ۵، تهران، قطره، ۱۳۹۰.
- عوفی، محمد بن محمد، لباب الألباب، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۵.
- فرشیدورد، خسرو، عربی در فارسی، چ ۵، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- فقیهی، حسین، ابیات عربی در متون ادب فارسی، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چ ۱، تهران، کتاب پارسه، ۱۳۸۷.
- ندا، طه، الأدب المقارن، بیروت، دار النهضة العربية، ۱۹۹۱ م.
- یزدان‌زاده، ثویبه، بررسی املائی، معنایی و بسامدی کلمات و عبارات عربی در گلستان سعدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، بهمن ۱۳۹۰.

منابع مورد استفاده

در این بخش منابعی ذکر می‌شود، که در فراهم آوردن این پژوهش از آنها بی‌نیاز نبوده‌ایم ولی در متن مقاله بدانها ارجاع نداده‌ایم:

- قرآن کریم
- ادی شیر، واژه‌های فارسی عربی شده، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- انوری، حسن، و شعار، جعفر، گزیده اشعار رودکی، چ ۱، علم، ۱۳۷۳.
- جوالیقی، ابن منصور، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف العجم، دار القاع، ۱۹۹۰ م.
- صادقی، علی اشرف، سه بیت تازه از رودکی، نامه فرهنگستان ۴۵، دوره دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۸.

- صدیقیان، مهین دخت، ابوطالب میرعابدینی، فرهنگ واژه‌های حافظ، چ ۳، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
- منصور، جهانگیر، دیوان رودکی، تهران، ناهید، ۱۳۷۳.
- نفیسی، سعید، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۱.
- ی. براگینسکی، دیوان رودکی بر اساس نسخه سعید نفیسی، تهران، نگاه، ۱۳۷۳.